

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در  
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

بررسی مولفه‌های آیینی در اشعار قیصر امین‌پور

۱- وحیده رحمانیان

۱- کارشناس ارشد ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، مرکز یزد، یزد، ایران

Email: vahidehrahmanian67@gmail.com

چکیده

این مقاله با هدف بررسی مولفه‌های آیینی در اشعار قیصر امین‌پور و با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای در دسترس انجام شد. بررسی یافته‌ها حاکی از آن بود که شعر آیینی در پیام و محتوا و بطن آن نهفته است و شاعر آیینی باید به این مولفه مهم به صورت ویژه توجه داشته باشد. پیام متعالی، محتوا و زبان متعالی هم می‌طلبد. زبان نامتناسب و غیرکاربردی، به تنزل اندیشه و مفهوم و پیام اثر هم می‌انجامد. عدم توجه به ساخت و کاربردهای امروزی زبان در بین شاعران معاصر آیینی، آسیب‌های جدی بر شاکله شعر آیینی وارد می‌سازد. بنابراین باید در شعر آیینی با شیوه‌های متزلزل ادبی برخاسته از اندیشه و دانش محدود بشری مقابله شود و هدایت جامعه بشری به ادبیات متعهد تقویت شود و قیصر امین‌پور با اعتقادات دینی و مذهبی که داشته است گاه به صورت استفاده از مضمون و گاه به صورت استفاده از واژگان و عبارات، از قرآن بهره‌مند شده است. در ساختار شعر قیصر امین‌پور، آیات قرآن بدون این که چندان به وضوح جلوه‌گری کنند، نهفته شده‌اند؛ بدین معنا که به نظر می‌رسد شاعر مفاهیم قرآنی را بیش‌تر به صورت ناخودآگاه در اشعارش منعکس نموده است. عمق و گستردگی تفکر و اندیشه‌ی امین‌پور، از شناخت و آگاهی وی نسبت به علوم قرآن نشأت می‌گیرد. وی به‌گونه‌ای از کتاب عظیم الهی و واژگان و عبارات مربوط به آن سخن می‌گوید.

**کلمات کلیدی:** قیصر امین‌پور، مولفه‌های آیینی، اشعار.

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

## مقدمه

اشعار آیینی مختص یک دین یا مذهب ویژه نبوده و همه مسلمانان از همه فرق اسلامی برای خود حلقه هایی با هدف برگزاری منقبت خوانی داشته اند. در ایران نیز شعرهای آیینی از دیرباز رواج داشته است و به وسیله شاعران مختلف سروده شده است. قیصر امین پور یکی از شاعرانی است که در مولفه های مختلف شعر آیینی اشعاری دارد. قیصر امین پور در مورد مولفه پایبندی به شعائر و عقائد دینی اشعار زیادی سروده است که به خوبی بیانگر این مولفه می باشند. شاعران برای انتقال مفاهیم انسانی، قومی، اخلاقی و وطنی، از منابع الهامی متعددی بهره می برند. میراث دینی و بالاخص قرآن کریم یکی از مهم ترین منابع الهام شعرا به شمار می رود. این خصیصه در شعر بیشتر شاعران معاصر ایرانی و به خصوص شعر قیصر امین پور به خوبی نمایان است. هوشیاری و دقت نظر امین پور از وی شاعری مضمون یاب و نکته پرداز ساخته است. شعر برای قیصر هم یک هنر است و هم ابزاری است برای بیان افکار و اندیشه های شاعرانه اش. پرورش یافتن امین پور در یک خانواده اصیل مذهبی و اشتیاق و صفناپذیر وی به کتاب آسمانی، موجب شده خوانندگان شعرش، تأثیر کلام دلنشین الهی بر شعر و سخن وی را احساس نمایند. با این توضیحات مقاله حاضر در نظر دارد تا به بررسی مولفه های آیینی در اشعار قیصر امین پور بپردازد.

## مولفه شعائر دینی

نگاهی کلی به سروده های امین پور، به خوبی نشان می دهد که او به خوبی به بن مایه های فرهنگ مردمی و دردهای آنان نفوذ کرده است و با تأثیرپذیری از مضامین خاص قرآنی، از یک سوی به شعر خویش صبغه ای قرآنی می بخشد، و از دیگر سوی، با طرح آرزوها و رنج های مردم به شعرش، رویکردی مردم گرایانه دارد. در بررسی شیوه های اثرپذیری قیصر امین پور از قرآن، می توان به اشکال مختلف و متنوعی، بهره گیری این شاعر خوش قریحه را از این کتاب آسمانی مشاهده نمود.

- این حنجره این باغ صدا را نفروشید / این پنجره این خاطره ها را نفروشید / تنها به خدا، دلخوشی ما به دل ماست / صندوقچه راز خدا را نفروشید / در دست خدا آینه ای جز دل ما نیست / آینه شما مید، شما را نفروشید / یک عمر دیدیم و لب چشمه رسیدیم / این هر وله سعی و صفا را نفروشید (امین پور، ۱۳۸۸: ۶۶).
- این شعر بیانگر عقاید دینی و درونی شاعر است و از عمق جان شاعر برخاسته است. شاعر به خدا و تمام مظاهر آن عشق می ورزد و دوست ندارد آن را از دست دهد.
- شب و روز از تو می گوئیم و می گویند، کاری کن / که می بینم بگیرد جای می گویندهای ما / بفرماید فردا زودتر فردا شود امروز / همین حالا بیاید وعده آینده های ما (امین پور، ۱۳۸۸: ۴۰).
- در این شعر، شاعر خواستار فردایی است که وعده الهی تحقق یابد و منجی ظهور کند. منجی که همه مردم منتظرش هستند.
- در کوچه های کوفه / صدای عبور کیست؟ / گویا دلی به مقصد دلخواه می رود / دارد سر شکافتن فرق آفتاب / آن سایه ای که در دل شب راه می رود (همان: ۳۴۶).

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

در اینجا شاعر به شهادت و ضربت خوردن امام علی(ع) اشاره می‌کند. فرق آفتاب در واقع استعاره از امام علی است و شخصیتی که در تاریکی شب در کوچه‌های کوفه راه می‌رود.

• ایمان و امان و مذهبش بود نماز / در وقت عروج، مرکبش بود نماز(همان: ۴۱۷).

شاعر به شهادت امام علی که در هنگام نماز رخ داد، اشاره دارد و اینکه همین نماز موجب عروج ایشان شد. پس زمینه‌های قرآنی شعرِ قیصر امین‌پور، گاهی به آسانی به چشم نمی‌آید و این پس‌زمینه‌ها در بسیاری از موارد، در لابه‌لای ایهام‌های زیبا و دل‌نشین پنهان گشته‌اند که البته این خود حکایت از تبحر شاعر در استفادهٔ هنرمندانه از آرایهٔ ایهام دارد. به عنوان مثال، آن‌گاه که شاعر دردها و رنج‌های هم‌نوعانش را در عرصهٔ حیات احساس می‌نماید، با ابراز حسرت عمیق خویش از این جریان، کلام خدا را به گونه‌ای تازه و متفاوت با دیگر شاعران، دست‌مایهٔ تشبیهی دل‌نشین و هنرمندانه قرار داده است:

الفبای درد از لیم می‌تراود      نه شبنم که خون از لیم می‌تراود  
سه حرف است مضمون سی‌پارهٔ دل      الف، لام، میم از لیم می‌تراود  
(همان: ۴۳۲)

آن‌گونه که می‌بینیم، در این جا حروف رمزی (الف، لام، میم) می‌تواند به دو گونهٔ متفاوت تأویل و تفسیر گردد:

۱. حروف مقطعه (الف، لام، میم) که در آغاز سورهٔ بقره آمده است.
  ۲. مجموع این حروف، کلمهٔ (آلم) به معنای درد را تشکیل داده است.
- افزون بر این، اصطلاح (سی‌پاره) می‌تواند به معنای سی جزء قرآن در نظر گرفته شود که در این صورت با حروف مقطعه قرآن؛ یعنی (الف، لام، میم) تناسب دارد. و یا این که (سی‌پاره) می‌تواند به معنای دل سی‌پاره شدهٔ شاعر بر اثر غم و درد تفسیر گردد، که در این صورت با تأویل دوم؛ یعنی (آلم) سازگار است.
- شاعر باز هم در جای دیگر به شیوهٔ ایهام، این‌گونه از قرآن کریم بهره می‌گیرد:

• ای حُسنِ یوسف، دکمهٔ پیراهن تو دل می‌شکفتد، گُل به گُل از دامن تو

(امین پور، ۱۳۸۶: ۳۰)

در این بیت (حُسنِ یوسف) می‌تواند در دو معنا به کار رود:

۱. صورت زیبایی حضرت یوسف (ع)
  ۲. گلی زیبا و خوش‌بو
- کلمهٔ (پیراهن) در معنای بیرونی و تلمیحی اشاره به پیراهنی دارد که در داستان حضرت یوسف (ع) موجب بینا شدن حضرت یعقوب (ع) گردید و با کلمهٔ (یوسف) تناسب دارد. افزون بر این، واژهٔ (گُل) با حُسنِ یوسف که نوعی گُل است، تناسب دارد. «تلمیح در لغت به معنای به گوشهٔ چشم نگرستن است، و در اصطلاح فن بدیع، آن است که شاعر در ضمن کلام، به داستان یا مثل یا آیه و حدیث یا حادثه‌ای که مشهور باشد، اشاره کند. «در شیوهٔ تلمیح، شاعر سخن خویش را بر پایهٔ نکته‌ای قرآنی بنا می‌نهد؛ اما به عمد آن را با نشانه یا اشاره‌هایی همراه می‌سازد که خوانندهٔ شعر را به آن چه خود بدان نظر داشته است، راه نماید» (راستگو، ۱۳۷۶: ۵۲).

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

در بررسی سروده‌های قیصر امین‌پور به نمونه‌های بسیاری از این نوع اثرپذیری برخورد می‌نماییم که در این جا و در نگاهی کوتاه، تلمیحات قرآنی را در آثار وی می‌کاوییم:

گاه داستان‌های مألوف قرآنی را در شعر قیصر امین‌پور به شیوه‌ای متفاوت از دیگر شاعران بازخوانی می‌کنیم و این خاصیت ذهن خلاق و نوآور شاعر است. از داستان‌های قرآنی، ظاهراً داستان حضرت یوسف (ع) بیش از سایر داستان‌ها برای امین‌پور الهام‌بخش بوده است، زیرا بسامد تلمیح به این داستان در اشعار وی نسبت به سایر داستان‌ها بیش‌تر است. شعر «روایت رؤیا» قیصر در واقع بازخوانی داستان زندگی حضرت یوسف (ع) و در خدمت اندیشه‌های روزمره خود شاعر است. شاعر با نگاهی حسرت‌بار به سرنوشت یوسف (ع) در این داستان، به حوادث ناگوار زندگی روزمره، گریز می‌زند و به انتقاد از کسانی می‌پردازد که با تنگ نظری به زندگی دیگران، حسادت می‌ورزند:

• فرزندم! / رؤیای روشن‌ت را / دیگر برای هیچ‌کسی بازگو مکن! / حتی برادران عزیزت / می‌ترسم / شاید دوباره دست

بیندازد / خواب تو را / در چاه

(امین پور، ۱۳۸۶: ۱۲)

چنان که پیداست، آیه ۵ سوره مبارکه یوسف: (يَا بَنِيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلٰى اِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوْا لَكَ كَيْدًا ...)

الهام بخش شاعر در سروده فوق بوده است. در قاموس واژگانی شعر امین‌پور، غربت واژه‌ای است بسیار تلخ که همواره خاطر شاعر را می‌آزارد، تا جایی که شاعر درد فراق انسان معاصر و فاصله گرفتنش را از معنویات، با غم و حسرت یعقوب (ع) از دوری یوسف (ع) پیوند می‌زند:

• این بوی غربت است / که می‌آید / شاید / بوی غریب پیرهنی پاره / در باد / نه! / این بوی زخم گرگ نباید باشد / من

بوی بی‌پناهی را از دور می‌شناسم

(امین پور، ۱۳۷۵: ۱۲۸)

چنان که دیده می‌شود، واژه‌های گرگ، پیراهن، بو، غربت و ... ماجرای حضرت یوسف (ع) و برادرانش را در ذهن تداعی می‌کند. شاعر در سروده فوق، انسان معاصر را قربانی مکر و فریب روزگار جفاپیشه دانسته، و غربت و بی‌پناهی چاه ظلمانی دنیا را سرنوشت محتوم انسان قلمداد نموده است.

امین‌پور با اشاره به ناملایماتی که در زندگی خاطر او را مکدر می‌سازد، رنجش خود را از زمانه و مردم با تمام آنچه که در گذشته خاطر حضرت یوسف (ع) را آزرده است، پیوند می‌دهد؛ اما آنچه بر حسرت شاعر افزوده، این است که وی از حضرت یوسف (ع) تنها رنج‌ها و مشکلاتش را به ارمغان برده است، بدون آن که از کمالات و محاسن او بهره‌مند باشد:

• از بد بتر اگر هست / این است / این که باشی / در چاه نابردار، تنها / زندانی زلیخا / چوب حراج خورده بازار برده‌ها / البته

بی که یوسف باشی!

(امین پور، ۱۳۸۶: ۲۴)

این برداشت شاعر از خویش به شکل عام از انسان امروزی؛ او را آن چنان افسرده و ناامید ساخته که پیراهن خود را برخلاف پیراهن یوسف (ع) بی‌خاصیت و بی‌ارزش معرفی نموده است:

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

- بهتر است درز بگیری / این پاره پوره پیرهن / بی‌بو و خاصیت را / که چشم هیچ چشم به راهی را / روشن نمی‌کند

(همان: ۲۴)

در این سروده، مُراد شاعر از بی‌خاصیت بودن پیراهن، از دست رفتن ارزش و کرامت و جایگاه والای انسانیت است که خداوند به آدمی بخشیده است؛ اما در اثر فرو رفتن در مادیت آن را از دست داده است، و طبیعی است که چنین انسانی نمی‌تواند که چشمی را روشن نماید.

همچنین داستان حضرت آدم (ع) و ماجرای هبوط او نیز از جمله تلمیحاتی است که در اشعار قیصر امین‌پور به آن اشارات فراوان رفته است. بهره‌گیری قیصر از این داستان در قالب اندیشه و تفکر روزمره زندگی شخصی، به آن جلوه و تصویری تازه و متفاوت بخشیده است. شاعر با اشاره به چگونگی راه یافتن ناگهانی عشق در دل خویش از طریق دیده و نگاه و لغزش دل و سختی‌ها و مرارت‌هایی که در این وادی بر او رفته است، سرنوشت تلخ خویش را با طرد شدن حضرت آدم (ع) و سرنوشت او پیوند می‌زند:

سر به زیر و ساکت و بی‌دست و پا می‌رفت دل	یک نظر روی تو را دید و حواسش پرت شد
بر زمین افتاد چون اشکی ز چشم آسمان	ناگهان این اتفاق افتاد: زوجی فرد شد!
بعد هم تبعید و زندان ابد شد در کویر	عین مجنون از پی لیلی بیابانگرد شد
کودک دل شیطنت کرده است یک دم در ازل	تا ابد از دامن پر مهر مادر طرد شد

(همان: ۵۰)

شاعر در این سروده، به تأثیر از آیه ۳۵ سوره بقره: (وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ) (۳) با بیان ماجرای طرد شدن آدم و حوا از بهشت و فریفته شدن آن دو توسط شیطان و خوردن از میوه ممنوعه، و در نتیجه رانده شدن از درگاه خدا، به سرنوشت انسان امروزی به عنوان فرزندان و بازماندگان آدم و حوا اشاره می‌کند و از انسان‌ها به عنوان تبعیدشدگان در کویر دنیا، و نیز کودکان بازیگوشی که از دامن پر مهر و محبت مادر، محروم گشته‌اند، نام می‌برد. در ادامه شاعر، با تلمیح به داستان حضرت آدم (ع) و مقایسه سرنوشت انسان معاصر با وی، دلیل هبوط انسان امروزی را برخلاف آدم (ع) نه یک لحظه غفلت؛ بلکه «دانایی» می‌داند؛ گویی شاعر معتقد است دانایی همواره سبب حرمان انسان می‌شود:

کاش از روز ازل هیچ نمی‌دانستم / که هبوط ادم از پی دانستن بود

(امین پور، ۱۳۸۸: ۱۳۷)

داستان حضرت ابراهیم (ع) و توطئه آتش زدن وی، دست‌مایه تشبیهی است زیبا که قیصر را بر آن می‌دارد تا در گیرودار جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، دشمنان کینه توز وطن خویش را با نمرودیان مقایسه نماید:

- نمرودیان همیشه به کارند / تا هیماه‌ای به حیطة آتش بیاورند / اما / ما را از آزمایش آتش هراس نیست / ما بارش همیشه باران کینه را / با چترهای ساده عریانی / احساس کرده‌ایم

(همان: ۳۷۴)

آن‌گونه که از سروده فوق برمی‌آید، کینه‌توزی دشمنان بعثی در اثنای جنگ تحمیلی و فرصت‌طلبی آنان برای ضربه زدن به مردم ایران، دست‌مایه تشبیهی است زیبا و دل‌نشین که ذهن خلاق شاعر را به مدد از آموزه‌های قرآنی سوق داده است.

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

هنچنین امین پور با سرزنش خویش و انتقاد از کسانی که پس از شهیدان، دین آن‌ها را به خوبی ادا نکرده‌اند و عمر را به بیهودگی به سربرده‌اند، به ماجرای حضرت اسماعیل (ع) و قربانی شدن او به امر خدا گریز می‌زند و این داستان قرآنی را در خدمت اندیشه‌های روزمره در می‌آورد:

عمری بجز بیهوده بودن سر نکردیم / تقویم‌ها گفتند و ما باور نکردیم  
در خاک شد صد غنچه در فصل شکفتن / ما نیز جز خاکستری بر سر نکردیم  
حتی خیال نای اسماعیل خود را / همسایه با تصویری از خنجر نکردیم

(همان: ۳۹۲)

آن‌گونه که پیداست، داستان متعارف و آشنای حضرت اسماعیل (ع) در قرآن کریم، الهام‌بخش شاعر در سرایش سروده فوق بوده است.

در قصیده «تجسس» که به یاد آیت‌الله طالقانی سروده شده است، ارزش‌هایی چون شهادت، شهامت، طهارت و تواضع مورد ستایش قرار گرفته است و شاعر در پایان با تلمیح به یکی از معجزات حضرت موسی (ع) به تأثیر آیه ۲۲ سوره طه (وَأَضْمُمْ يَدَكَ إِلَى جَنَاحِكَ تَخْرُجَ بَيْضًا مِّنْ غَيْرِ سُوءٍ آيَةَ أُخْرَى) (۴) چنین می‌سراید:

• از چشم هر شهید / یک قطره اشک شوق بگیرد / فواره‌ای ز نور بکارید / قلبی از آینه، دلی از دریا / و گردنی بلند / از آبشار پاک تواضع / از آستین روشن موسی / دستی به رسم وام بگیرد

(همان: ۳۷۸)

در این شیوه اثرپذیری، شاعر در به کارگیری پاره‌ای از واژه‌ها و ترکیب‌ها، وامدار قرآن است؛ یعنی واژه‌ها و ترکیب‌هایی را در شعر خویش می‌آورد که ریشه قرآنی دارند، به گونه‌ای که اگر قرآن نبود، زبان و ادب نیز از آن واژه‌ها بی‌بهره بود. مثلاً به کاربردن ترکیب‌هایی چون (کراماً کاتبین، ید بیضاء، عروه الوثقی و ...) و بسیاری از اسم‌های خاص قرآن مانند (آدم، حوا، ابراهیم، جالوت، قابیل و ...) از آن جمله‌اند. (رسولی، ۱۳۸۴: ۱۵)

اثرپذیری امین پور از واژگان و ترکیب‌های خاص قرآنی بسیار است که در این جا به دو مورد اشاره می‌شود:

• لبخند تو خلاصه خوبی‌هاست / لختی بخند، خنده گل زیباست / پیشانیت تنفس یک صبح است / صبحی که انتهای شب یلداست

(امین پور، ۱۳۸۸: ۴۹۷)

آن‌گونه که مشاهده می‌شود، شاعر در این جا (تنفس صبح) را که یک اصطلاح خاص قرآنی است، به تأثیر از آیه ۱۸ سوره تکویر آورده است. علاوه بر این، تأثیرپذیری امین پور از همین اصطلاح قرآنی، تا به آن حد است که نام یکی از دفترهای شعری او با الهام از آن به عنوان (تنفس صبح) گزینش شده است.

در قصیده «گشایش» که شاعر آن را به گونه یک مناجات شبانه به زبان جاری می‌کند، اصطلاح (فتح آشکار = فتح مبین) از واژگان خاص قرآنی است که در آغاز سوره فتح آمده است (إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا):

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

- تو را به رستخیز / مرا خراب مکن / که رستگاری و درستکاری دلم / به درستکاری همین غم شبانه بسته است / که فتح آشکار من / به این شکست‌های بی‌بهبانه بسته است (همان: ۳۷)

این اثرپذیری خود بر دو گونه است:

در این شیوه، شاعر گزاره؛ یعنی یک عبارت قرآنی را با همان شکل و ساختار، بدون هیچ‌گونه تغییر و دگرگونی و یا با اندکی تغییری که در تنگنای وزنی یا قافیه از آن گریزی نیست، در سخن خود جای می‌دهد. (رسولی، ۱۳۸۴: ۲۹)

در تضمین و اقتباس، سخنور برای نگه‌داشتن وزن و قافیه ناگزیر می‌شود بدون آن که ساختار اصلی آیه را برهم بزند، اندکی در آن دست بزند، اندکی در آن دست برد؛ اما گاهی گوینده، بیش از حد معمول در ساختار اصلی آیه دستکاری می‌کند و چه بسا ساختار اصلی آن را به نوعی برهم می‌زند و بافت آیه را تغییر می‌دهد که به آن حل یا تحلیل می‌گویند. (سنگری، ۱۳۷۷: ۳۱).

در بررسی اشعار قیصرامین‌پور با نمونه‌های بسیاری از اثرپذیری به شیوه «اقتباس» یا «تضمین» و «حل» یا «تحلیل» برخورد می‌کنیم. این‌گونه بهره‌برداری از قرآن در شعر او با قصد و غرض‌های گوناگونی انجام می‌پذیرد از جمله: تبرک و تیمن، تعلیل و توجیه، تشبیه و تمثیل، تحذیر و تحریض، تزیین و تجمیل، استشهاد و استناد و ... که در این‌جا به مهم‌ترین آن‌ها پرداخته می‌شود. برداشت قیصر از مرگ و چگونگی دست یافتن آن بر انسان به تأثیر از آیه ۷۸ سوره نساء: (أَبْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكُكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ ...) (۸) چنین به سرایش درآمده است:

- ما / در تام عمر تو را در نمی‌یابیم / اما / تو / ناگهان / همه را در می‌یابی

(امین پور، ۱۳۸۸: ۱۵۰)

شاعر با تغییرات نسبتاً جزئی در ساختار و محتوای آیه ۵ سوره جمعه (مَثَلُ الَّذِينَ خُمِلُوا التَّوْرَاتِ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْجَمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا و ...) (۹) چنین می‌سراید:

- خروار / خروار / خواندیم / بار گران اسفار / بر پشت ما قطار قطار آوار / اما تمام عمر / در انتظار یک دم عیسی‌وار / ماندیم

(همان: ۱۵۳)

ماجرای خلقت جهان نیز از زوایای مختلف، دغدغه ذهن خلاق امین‌پور بوده است؛ به عنوان مثال، شاعر با استناد به آیه ۳۰ سوره انبیاء: (أَوَلَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا أَفَلَا يُؤْمِنُونَ) (۱۰) تعبیری شاعرانه از مراتب خلقت به دست می‌دهد:

- خدا ابتدا آب را / سپس زندگی را بر آب آفرید / جهان نقش بر آب / و آن آب بر باد

(همان: ۷۳)

علم بی‌حد و حصر خداوند هستی به تمام اموری که رد پیرامون حیات ما وجود دارد و آگاهی والای او به هرآنچه که قرار است، اتفاق بیفتد، شاعر را بر آن می‌دارد که به تأثیر از آیه ۱۱ سوره شوری (... لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ) (۱۱) خداوند متعال را بالاتر از وصف و تشبیه معرفی کند:

تو شعر نگفته مرا می‌دانی / وز برگ سفید دفتر می‌خوانی  
آخر به چه مانی که بگویم آنی؟ / تو همچو خودی، تو خویش را مانی

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

(همان: ۱۱)

شاعر با توصیف آدمی به عنوان موجودی که همواره در عرصه حیات در اندیشه کم یا زیاد شدن مال و ثروت خویش است، به تأثیر از آیه ۱۹ سوره حشر (وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ) انسان معاصر را نمادی از غفلت معرفی می‌کند که از دیرباز وجود حقیقی خویش را فراموش کرده است:

ما خویش فرامشان لرزان قدیمیم  
خود را و ترا اگر چه بردیم ز یاد  
اندیشه‌کنان وادی بیش و کمیم  
ما را اگر ز یاد بردی عدمیم

(همان: ۱۴)

شگفتی‌های موجود در طبیعت، و سرزمین‌های پر از اسرار، و آسمان‌هایی سرشار از رموز، شاعر را بر آن می‌دارد که زبان به تحسین از آن‌ها بگشاید و با تأثیر از آیه ۱۹۰ سوره آل عمران: (إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ) زمین و آسمان‌ها را نشانه‌هایی از قدرت خداوند متعال معرفی می‌کند و با تأثیر از آیه ۱۰ سوره لقمان (خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا وَالْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَ...) آسمان‌ها را به عنوان ستون‌های بی‌ستون که خداوند ستون آن‌هاست توصیف نماید:

ای عشق بنیاد زمین و آسمان آیه توست  
چون رهگذری خسته که می‌آساید  
بنیاد ستون بی‌ستون پایه توست  
آسایش آفتاب در سایه توست

(همان: ۱۵)

نگاه سرد و بی‌رغبت شاعر به تجملات تصنعی دنیا ناشی از فکر باز و دید عمیق و دوراندیشانه وی به دنیایی است که در فراروی اوست. شاعر با یادآوری حوادثی که در قیامت در انتظار انسان است و با تأثیر از آیه ۱۰ سوره قیامت (يَقُولُ الْإِنْسَانُ يُؤْمِنُ بِأَنَّ الْمَقَرَّةَ) خود را در عرصه محشر به پرنده‌ایی تشبیه می‌کند که در شبی ظلمانی و ابری سرگردان پر و بال می‌زند و نمی‌داند به کجا بگریزد:

در واقعه‌ای چنان کجا بگریزم  
چونان که پرنده در شب غرش ابر  
زان مأمن بی‌امان کجا بگریزم  
در پهنه آسمان کجا بگریزم

(همان: ۳۰)

شهادت و شهادت‌طلبی یکی از مضامین بارز در شعر قیصر امین‌پور است که به بخشی از عالی‌ترین مفاهیم شعر او روحی سرخ و مقدس بخشیده است.

کس راز حیات او نداند گفتن  
هرچند میان خود خود خفت ولی  
بایست زبان به کام خود بنهفتن  
سوگند، که خون او نخواهد خفتن

(همان: ۴۲)

شهیدان در شعر امین‌پور با نیروی اراده‌ای که همواره در قلب بیدارشان می‌تپد، به خون سرخ خویش رنگی دیگر می‌بخشند. شاعر با تأثیر از آیه ۱۷۲ سوره اعراف (وَإِذَا أَخَذَ رُبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا



# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

بَلَى شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ (۱۷) این گونه به توصیف شهیدانی می‌پردازد که به دنیا و آنچه در آن است، پشت نموده‌اند:

«لا» بود که کشته شد و «لا» بود شهید  
«لا» بود و «الست» را «بلی» بود شهید  
با قامت واژگونه در خونش نیز  
تصویر و تجسمی ز «لا» بود شهید

(همان: ۴۹)

آن گونه که از سروده فوق برمی‌آید، شاعر، شهید را تجسم «لا» بر روی زمین دانسته است و این خود اشارتی است به مقام والای آنان در نفی همه خدایان دروغین و هرگونه شرک خفی و جلی که بیش تر انسان‌ها بدان آلوده‌اند.

## نتیجه گیری

اشعار آیینی قیصرامین‌پور همانند شعر دیگر شاعران مسلمان، بی‌بهره از قرآن نبوده است. او در اشعارش، گاه به صورت استفاده از مضمون و گاه به صورت استفاده از واژگان و عبارات، از قرآن بهره‌مند شده است. در ساختار شعر قیصرامین‌پور، آیات قرآن بدون این که چندان به وضوح جلوه‌گری کنند، نهفته شده‌اند؛ بدین معنا که به نظر می‌رسد شاعر مفاهیم قرآنی را بیش تر به صورت ناخودآگاه در اشعارش منعکس نموده و براساس قول: (اللسان ترجمان القلوب)، از ضمیر ناخودآگاهش سرچشمه گرفته و بر زبانش جاری گشته است. عمق و گستردگی تفکر و اندیشه‌آمین‌پور، از شناخت و آگاهی وی نسبت به علوم قرآن نشأت می‌گیرد. وی به گونه‌ای از کتاب عظیم الهی و واژگان و عبارات مربوط به آن سخن می‌گوید که عشق و علاقه شدید او را به مکتب انسان‌ساز قرآن آشکار می‌سازد که در این میان، تنها ذکر ظاهری کلمه‌ها و عبارت‌های قرآنی، مورد نظر او نیست؛ بلکه معانی و مضمون‌های قرآن به شکل‌های مختلف و با تنوع بسیار، در اشعار او به چشم می‌خورد. با نگاهی گذرا به درون مایه اشعار آیینی قیصرامین‌پور که در این قلمرو وسیع ذوق و اندیشه از هر چه مقدس و محترم و والا و زیباست ستایش شده و از تمامی ناشایست‌ها و ردائل و آنچه موجب سقوط اخلاقی انسان می‌شود، نکوهش و تقبیح به عمل آمده است.

## منابع

امین‌پور، قیصر (۱۳۸۸). مجموعه کامل اشعار قیصر امین‌پور، تهران: انتشارات مروارید.

امین‌پور، قیصر (۱۳۸۶). دستور زبان عشق، تهران: انتشارات مروارید.

امین‌پور، قیصر (۱۳۷۵). آینه‌های ناگهان. تهران: نشر افق.

رسولی، حجت (۱۳۸۴). "معیار تعهد در ادبیات". پژوهشنامه علوم انسانی، ۴۶-۴۵ (ویژه نامه زبان و ادبیات فارسی): ۷۳-۸۲.

سنگری، محمدرضا (۱۳۷۷)، "ادبیات پایداری"، فصلنامه شعر، ۱۲(۳۹): ۴۵-۵۳.